

می‌داند) در تاریخ‌نگاری‌هایشان به اسباب شکل‌گیری این جنگ‌ها و همچنین نقش کارشکنی‌های یهود و منافقان در این درگیری‌ها پرداخته‌اند اظهار تعجب کرده است.^{۳۰}

شاکر در سلسله نوشته‌هایش با نام «بینی و بین طه» که در کتاب «المتنبی» منتشر شده نیز ضمن اشاره به اشتباهات طه حسین درباره متنبی کوشیده تا خاستگاه باورهای او درباره متنبی را نیز یافته و نقد نماید.^{۳۱} برای نمونه باور طه حسین به قرمطی بودن متنبی را اقتباسی ناقص و تحریف شده از مقاله «بلاشر» در دایرة المعارف اسلام می‌داند که خود بلاشر آن را تنها به صورت احتمال بیان کرده و سپس توسط طه حسین به صورت نسبتی جزمی مطرح شده است. شاکر بر همین پایه فصلی مستوفی در نقد ادعای قرمطی بودن متنبی گشوده تا لغزش‌های مستشرقان در تاریخ و تراجم‌نگاری را به تصویر بکشد.^{۳۲}

+

مشابهت نقدهای شاکر و میرزا محمد خان قزوینی

نقدهای شاکر گرچه در نگاه نخست کمی تند و تیز یا حتی غیرمنصفانه به نظر برسد، اما چنان‌که در ابتدای نوشتار آمد، نقد‌های وی بر مستشرقان و روش‌های مورد استفاده آنان، که امروزه هر روش دیگر بر پایه آن‌ها سنجیده شده و بدین ترتیب اثری علمی یا غیرعلمی خوانده می‌شود، تنها محدود به کتاب رساله فی الطریق الی ثقافتنا نیست و نمونه‌هایی از تطبیق این نگاه انتقادی در آثار دیگر او مانند برنامه طبقات فحول الشعراء و أباطیل و أسمار قابل ملاحظه است. شاکر برای نمونه در برنامه طبقات فحول الشعراء تقریباً ده صفحه را به نقد فرانتس روزنتال، مستشرق، مترجم و تاریخ‌پژوه آلمانی، اختصاص داده که از جهت زبان و لحن نوشتار و همچنین دقت‌های موشکافانه تاریخی و ادبی در نقد متون شباهت بسیاری با نقدهای میرزا محمد خان قزوینی بر لویی ماسینیون، هنری ماسه، ادگار بلوشه و دیگر مستشرقان دارد.^{۳۳} قزوینی، که خود سال‌ها با مستشرقان بسیاری از انگلستان تا فرانسه و آلمان مرتبط بود، هم‌گام با عبارات و عناوینی تند بر مستشرقان تاخته و آنان را مدعی، عالم‌نما و شارلاتان نامیده است. علاوه بر آن، بخش‌های دیگر نقدهای او نیز شباهت قابل ملاحظه‌ای با نقدهای شاکر دارد. قزوینی در بخشی از زندگی‌نامه خود نوشتش که در مقدمه بیست مقاله نیز منتشر شده است چنین می‌نویسد:

بر هم وطنان عزیز من پوشیده نباشد که در اروپا، در حوزه مستشرقین، مدعی و عالم‌نما و «شارلاتان»، عده‌شان به مراتب بیشتر از مستشرقین حقیقی و علمای واقعی است و اگرچه این مسئله از خصایص نوع بشر است، در جمیع نقاط دنیا و در هر فنی و علمی و تخصصی به مستشرقین اروپا ندارد، ولی بخصوصه در ماده مستشرقین اروپا دامنه این مسئله وسعت غریبی دارد و علت این فقره شاید این باشد که به مضمون مثل معروف فرانسوی، «در مملکت کوران آدم یک چشم پادشاه است»، به واسطه بی‌اطلاعی عموم مردم در اروپا از اوضاع مشرق و السنه و علوم مشرق بالطبع وظیفه مستشرقی یک میدان وسیع مستعدی می‌شود برای متقلبین و «شارلاتان»‌ها که به محض اینکه یکی دوازده سنه شرقیه را تا درجه‌ای آموختند و امتحانی از آن (که



▲ میرزا محمد خان قزوینی مشهور به علامه قزوینی (۱۲۵۶-۱۳۲۸)

قزوینی هم مانند

شاکر مدعیات

مستشرقان را

مشتی مطالب

پوچ بی معنی

و اجتهادات

بی‌اساس مؤسس بر

احتمالات نیشغولی

و فرضیات وهمی

و خیالات چرسی

و هواجس بنگی

و وساوس این

نوع معروف از

مستشرقین

می‌داند.